

آرایه مراعات نظیر در پنج جزء آخر قرآن کریم

حسن سر باز^۱ (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

سرگل ویسی (کارشناس ارشد دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

تاریخ الوصول: ۲۰۲۱/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

صفحات: ۴۵-۶۱

تاریخ القبول: ۲۰۲۲/۰۷/۰۷

چکیده

یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، اعجاز بلاغی و بیانی آن است که از دیرباز توجه ادیبان و سخنوران را به خود جلب کرده و زمینه‌ی پیدایش و گسترش علوم مختلفی از جمله علوم بلاغی را فراهم کرده است. قرآن پژوهان برای پی بردن به اعجاز بیانی قرآن کریم و اثبات دقیق و علمی آن، الفاظ، کلمات، جملات، ساختار زبانی و نظم کلامی آن را از زوایای مختلف زبانی و ادبی مورد مطالعه و کنکاش قرار داده و در این زمینه بیشترین بهره را از علوم بلاغی و فنون سه‌گانه‌ی آن یعنی معانی، بیان و بدیع برده‌اند. یکی از آرایه‌های بدیعی که در قرآن کریم کاربرد زیادی دارد و بر زیبایی ساختار زبانی آن افزوده است، آرایه‌ی مراعات نظیر و ملحقات آن یعنی تشابه الأطراف و ایهام تناسب است. در مراعات نظیر باید تناسب و هماهنگی معنایی بین واژگان وجود داشته باشد و این واژگان نباید نسبت به یکدیگر هیچ‌گونه تضاد و تناقضی داشته باشند. در آرایه‌ی مراعات نظیر، چینش الفاظ و واژگانی که باهم هماهنگی و تناسب معنایی دارند باعث به وجود آمدن آهنگ و موسیقی دلنشینی در کلام می‌شود که مخاطب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این پژوهش تلاش می‌شود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، آرایه‌ی مراعات نظیر و تلفیق آن با برخی از آرایه‌های بدیعی دیگر در پنج جزء پایانی قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این آرایه در آیات مورد نظر بیشتر در کنار آرایه‌های دیگری همچون تلمیح، مبالغه، لف و نشر، تنسیق الصفات، جناس و سجع به کار رفته است. اگرچه در مواردی به تنهایی هم به کار رفته است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، زیبایی‌شناسی قرآن کریم، صنایع بدیعی، محسنات معنوی، مراعات نظیر.

دراسة مراعاة النظر في الأجزاء الخمسة الأخيرة من القرآن الكريم

الملخص

ومن مظاهر إعجاز القرآن الكريم إعجازه البلاغية والتعبيرية التي طالما جذب انتباه الكتاب والمحدثين، ووضع الأساس لظهور وتوسع العلوم المختلفة، بما في ذلك العلوم البلاغية. من أجل معرفة معجزة التعبير للقرآن الكريم وإثباته الدقيق والعلمي، درس علماء القرآن واستكشفوا مفرداته وكلماته وجمله وتركيبه اللغوي وترتيبه اللفظي من زوايا لغوية وأدبية

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: h.sarbaz@uok.ac.ir

مختلفة، وفي هذا السياق هم استفادوا أكثر من العلم، فقد تم استخدام البلاغة وتقنياتها الثلاثة، أي المعاني والبيان والبديع. ومن المحسنات المنتشرة بكثرة في القرآن الكريم والتي تضيف إلى جمال بنيته اللغوية محسنة مراعاة النظر وملحقاته، أي تشابه الأطراف وإيهام التناسب. في مراعاة النظر، يجب أن يكون هناك تناسب وتناغم دلالي بين الكلمات ويجب ألا يكون لهذه الكلمات أي تناقضات مع بعضها البعض وينتهي هذا التلاؤم إلى خلق أغنية وموسيقى ممتعة في الكلمات التي تثير إعجاب الجمهور. تم في هذا البحث، باستخدام المنهج الوصفي- التحليلي، دراسة مراعاة النظر ودمجها مع بعض المحسنات البديعية الأخرى في الأجزاء الخمسة الأخيرة من القرآن الكريم. وتبين نتائج البحث أن هذه المحسنة تستخدم في الغالب إلى جانب الصناعات البديعية الأخرى مثل التلميح والمبالغة واللف والنشر وتنسيق الصفة والجناس والسجع، وإن كانت تستخدم وحدها في بعض الحالات.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكريم، جمالية القرآن، الصناعات البديعية، المحسنات المعنوية، مراعاة النظر.

۱- مقدمه

قرآن کریم به عنوان یک متن مقدس علاوه بر وحیانی و آسمانی بودنش، از نظر سبک بیانی و ساختار زبانی و نظم کلامی هم یک شاهکار ادبی- زبانی شمرده می‌شود که از دیرباز توجه ادیبان و سخنوران را به خود جلب کرده و زمینه‌ی پیدایش و گسترش علوم مختلفی همچون صرف، نحو، بلاغت و... را فراهم کرده است. فصاحت و بلاغت و زیبایی قرآن کریم در حدی است که از زمان نزولش تا به امروز فصیحان و بلیغان را به شگفتی واداشته و به اعجاز بیانی آن اعتراف کرده‌اند. قرآن پژوهان برای پی بردن به اعجاز بیانی قرآن کریم و اثبات دقیق و علمی آن، الفاظ، کلمات، جملات، ساختار زبانی و نظم کلامی آن را مورد مطالعه و کاوش قرار داده و با تألیف کتاب‌هایی تحت عنوان «اعجاز القرآن» در پیدایش و گسترش علوم بلاغی نقش برجسته‌ای را ایفا کرده‌اند.

پیوستگی قرآن با علوم بلاغی در حدی است که از یک طرف بعضی از محققان، درک و فهم قرآن را منوط به آشنایی با بلاغت که ریشه در فطرت آدمی دارد دانسته‌اند (فضیلت، ۱۳۸۶: ۲۴)، و از طرف دیگر فصاحت و بلاغت الفاظ و عبارات قرآن کریم، ساختار زبانی و نظم کلامی و موسیقی دلنشین آیات و تصویرپردازی‌های زیبای آن بر غنای علوم بلاغی و تقویت ذوق ادبی و بلاغی ادیبان و سخنوران افزوده است؛ به طوری که اگر بزرگانی همچون زمخشری، فخر رازی، عبدالقاهر جرجانی، سکاکی، خطیب قزوینی، تفتازانی و بسیاری دیگر از بزرگان بلاغت به استادان صاحب سخن و صاحب قلم در عرصه‌ی دانش بلاغت تبدیل شده و آثار و تألیفاتشان تا به امروز ارزشمند و ماندگار مانده است، همگی نتیجه‌ی تأثیر پذیری آنان از کلام قرآن کریم و ثمره‌ی فصاحت و بلاغت آن است.

علوم بلاغی که امروزه شامل سه فن معانی، بیان و بدیع می‌شود در ابتدا حد و مرز این سه فن بلاغت چندان مشخص نبوده و از هم جدا نبوده‌اند و بعدها به وسیله‌ی سکاکی در کتاب «مفتاح العلوم» و خطیب قزوینی در کتاب‌های «تلخیص المفتاح» و «الإيضاح» از هم تفکیک شده‌اند (ضیف، بی‌تا: ۳۷۴-۳۷۵). علم بدیع به عنوان فن سوم علوم بلاغی، علمی است که به بررسی وجوه تحسین کلام پس از مطابقتش با مقتضای حال (علم معانی) و وضوح دلالتش بر معنا (علم بیان) می‌پردازد و به دو گونه محسنات معنوی و محسنات لفظی یعنی وجوهی که وابسته به زیبایی معنا و وجوهی که وابسته به زیبایی لفظ است تقسیم می‌شود. صنایع بدیعی یکی از معیارهایی است که موجب زیبایی و موسیقایی‌تر شدن کلام می‌شود (القزوینی، ۱۹۸۹: ۴۷۷ و قصاب، ۲۰۱۲: ۱۴). یکی از محسنات معنوی که موجب زیبایی معنای کلام می‌شود، مراعات نظیر است که به آن تناسب و ائتلاف و مؤاخات و تلفیق نیز گفته‌اند.

۱-۱- سؤالات تحقیق

در این پژوهش تلاش می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی زیبایی‌شناسی شیوه‌های به کار رفتن آرایه‌ی مراعات نظیر در پنج جزء آخر از قرآن کریم پرداخته شود و به دو سؤال زیر پاسخ داده شود.

۱. ظرافت‌ها و زیبایی‌های مراعات نظیر در پنج جزء آخر قرآن کریم چگونه است؟
۲. مراعات نظیر در پنج جزء آخر قرآن کریم به چه شیوه‌هایی به کار رفته است؟

۱-۲- پیشینه‌ی پژوهش

مراعات نظیر یکی از محسنات معنوی در علم بدیع است که در تمام کتاب‌های بلاغی، بدان پرداخته شده است و در اینجا به مهمترین پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که به بررسی و تحلیل مراعات نظیر در قرآن کریم پرداخته‌اند.

کمال الدین عبدالغنی المرسی (بی‌تا)، در کتاب «مراعاة النظر فی کلام الله العلی القدير دراسة بلاغية فی إعجاز الأسلوب القرآنی» به اعجاز اسلوب قرآنی پرداخته و آن را در سه فصل تدوین نموده است؛ در فصل اول به اصطلاح، معنا و مفهوم مراعات نظیر در بلاغت پرداخته و این آرایه را در سوره‌ی فاتحه بررسی نموده است. در فصل دوم وجه مراعات نظیر که شامل مناسبت یا تناسب، مؤاخات، ائتلاف، حسن نسق، انسجام، تشابه الأطراف، مشاکله و لف و نشر است را در کتب بلاغی با ذکر شواهدی از اشعار عربی و آیات قرآنی که جز چند آیه آن مربوط به پنج جزء آخر قرآن کریم نیست، مورد بررسی قرار داده است. در فصل سوم به معنی اعجاز قرآن، تحدی قرآن، اعجاز قرآن از نگاه ابن حزم و جلال الدین سیوطی و نظریه صرفه پرداخته است. همانگونه که از فصول این کتاب مشخص است، این کتاب اگرچه یکی از منابع این پژوهش به حساب می‌آید، ولی تفاوت اساسی با آن دارد؛ چراکه در این پژوهش آرایه مراعات نظیر در پنج جزء آخر قرآن کریم و ارتباط آن با دیگر آرایه‌های بدیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عبدالفتاح لاشین (۱۹۹۹) در کتاب «البدیع فی ضوء أسالیب القرآن»، محسنات لفظی و معنوی بدیع را با استناد به آیات قرآنی مورد بررسی قرار داده و در پایان کتاب هم به بررسی بدیعیات و سرقات شعری پرداخته است. لاشین در بحث مراعات نظیر از آیات قرآنی تنها به آیات ۴ و ۷ سوره‌ی فتح و آیه ۵ سوره‌ی الرحمن استناد کرده است (لاشین، ۱۹۹۹: ۳۸-۵۰).

حسن خرقانی (۱۳۹۲) در کتاب «زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع»، در هفت فصل به بررسی زیبا شناسی قرآن کریم از نظر آرایه‌های بدیعی پرداخته که در آن مراعات نظیر و چند آرایه دیگر را بررسی نکرده است. وی در این باره می‌گوید: «نگارنده فصل دیگری به نام تناسب‌های معنایی در قرآن کریم را نیز طراحی کرده بود که شامل تناسب‌های معنایی در واژگان، درون آیات و سوره‌های

قرآن کریم می‌شد و آرایه‌هایی همچون مراعات نظیر، ارضاد، تمکین، براعت استهلال، براعت ختام و مانند آن را دربرداشت، به توفیق الهی این آراه‌ها در جای مناسب و در حلقه سوم از سلسله زیباشناسی قرآن عرضه خواهد شد» (خرقانی، ۱۳۹۲: ۱۷).

حماده خالد محمد علوان (۲۰۱۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه اسلامی غزه تحت عنوان «الألوان البديعية في السور المكية دراسة وصفية تحليلية»، محسنات لفظی و معنوی را در سوره‌های مکی قرآن کریم بررسی کرده و نکته قابل توجه در این پژوهش این است که در میان این محسنات، مراعات نظیر دیده نمی‌شود.

نصر الدین ابراهیم احمد حسین (۲۰۱۳) در مقاله‌ی «علم البديع وبلاغته في ضوء القرآن الكريم دراسة بلاغية تحليلية»، به بررسی شش آرایه جناس، مراعات نظیر، سجع، توریة، طباق و مقابله در کل قرآن کریم پرداخته است. عبد الواحد عبدالله الخميسي (۲۰۱۷)، در مقاله‌ی «مراعاة النظر في القرآن الكريم»، به اثبات اعجاز بلاغی قرآن کریم و تبیین آرایه‌ی مراعات نظیر با ذکر شواهدی از اشعار عربی و آیات قرآنی پرداخته است.

میرمستنصر (۱۳۸۸)، در مقاله‌ی «فنون و صنایع ادبی در قرآن» برخی فنون و صنایع ادبی به کار رفته در قرآن از جمله: فصل و وصل بلاغی، مراعات نظیر، مجاز و غیره را بررسی کرده است. حسینی و فتحی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ی «مراعات نظیر، زیورآرایه‌ها» به تعریف آرایه‌ی مراعات نظیر پرداخته‌اند و معتقدند که تعاریف جامعی از این آرایه صورت نگرفته است و همچنین در این مقاله، به بررسی این آرایه در آیاتی محدود از قرآن کریم به صورت پراکنده پرداخته شده است.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- مراعات نظیر

مراعات نظیر یکی از محسنات معنوی علم بدیع است که تناسب و ائتلاف و توفیق و تلفیق هم نامیده می‌شود و عبارت است از این که دو یا چند واژه که از نظر معنی با هم تناسب دارند و تناسب آن‌ها از نوع تضاد نیست در کلام کنار همدیگر جمع شوند (التفتازانی، ۲۰۰۱: ۶۴۴)؛ یعنی در مراعات نظیر باید تناسب و هماهنگی بین واژگان وجود داشته باشد و این تناسب می‌تواند از نوع تناسب لفظ با معنی، لفظ با لفظ و یا معنی با معنی باشد و این واژگان نباید نسبت به یکدیگر هیچ‌گونه تضاد و تناقضی داشته باشند (عتیق، بی‌تا: ۱۷۹).

مراعات نظیر از مؤثرترین آرایه‌های ادبی است که ادیب، با انتخاب واژگان مناسب، آن را می‌آفریند. این آرایه سبب فعال شدن دیگر آرایه‌های ادبی نیز می‌شود. مراعات نظیر همیشه در قالب یک کلام ادبی شکل می‌گیرد. هماهنگی و تناسبی که در آرایه‌ی مراعات نظیر وجود دارد باعث به وجود آمدن آهنگ، موسیقی و کلامی دلنشین در سخن ادبی می‌شود. تناسب میان واژگان زمانی

ارزش هنری پیدا می‌کند که سخن، ادبی باشد و کلام از زیورهایی، همچون: تشبیه، تلمیح، کنایه، ایهام، استعاره و غیره بهره گرفته باشد و از دیگر سو، صنایع بدیعی، زمانی کلام را ادبی و خیال‌انگیز می‌کنند، که با واژگان متناسب همراه گردند؛ بنابراین چنین است که آرایه‌ی مراعات نظیر با دیگر صنایع بدیعی و بیانی لازم و ملزوم یکدیگرند (حسینی و فتحی، ۱۳۸۹: ۸۰).

مراعات نظیر یا آرایه‌ی تناسب، انتخاب واژگانی متناسب در جمله است که اگر این واژگان به درستی و به دور از تکلف انتخاب شوند، بر زیبایی ادبی آن می‌افزایند. علمای بلاغت دو آرایه‌ی تشابه الأطراف و ایهام تناسب را زیر مجموعه و از ملحقات آرایه‌ی مراعات نظیر به شمار آورده‌اند.

۲-۲- تشابه الأطراف

تشابه الأطراف یکی از ملحقات مراعات نظیر است و بدین معنی است که در پایان کلام مطلبی بیاید که با ابتدای کلام تناسب آشکار یا پنهان داشته باشد یعنی کلام به آنچه مناسب معنی آغاز کلام است پایان پذیرد. به عبارتی دیگر گاهی تناسب بین اول و آخر کلام وجود دارد مانند: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (أنعام/۱۰۳)، در این آیه واژه‌ی «اللطف» که در پایان کلام آمده با جمله‌ی «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» و واژه‌ی «الخبیر» هم با جمله‌ی ﴿وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾ تناسب معنایی دارد (التفتازانی، ۲۰۰۱: ۶۴۵). این صنعت را در فارسی و عربی تحت عنوان تشابه الأطراف عنوان کرده‌اند. اما در منابع بدیعی فارسی به تشابه الأطراف، گاهی تسبیغ نیز گفته‌اند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۳).

۲-۳- ایهام تناسب

آرایه‌ی ایهام تناسب یکی دیگر از ملحقات مراعات نظیر است و در واقع از ترکیب دو آرایه‌ی ایهام و تناسب یا مراعات نظیر به وجود می‌آید. ایهام تناسب بدین معنی است که واژه‌ای در کنار واژه‌ای دیگر ذکر شود و به اعتبار معنای مقصود در کلام تناسبی با آن واژه نداشته باشد، ولی به اعتبار معنای دیگری که آن واژه دارد و در کلام مورد نظر نیست، تناسب معنایی دارد مانند: ﴿الْشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانٌ وَ النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانُ﴾ (الرحمن/۵) در این آیه منظور از واژه‌ی «النجم» گیاه کوتاه و نازک بی ساقه است که با این معنی هیچگونه تناسب معنایی با دو واژه‌ی «الشمس والقمر» ندارد، اما از نظر معنای دیگر آن، یعنی ستاره با آن دو تناسب معنایی دارد (التفتازانی، ۲۰۰۳: ۳۹۱ و عتیق، بی‌تا: ۱۸۱).

۳- شیوه‌های به کار رفتن مراعات نظیر در پنج جزء آخر قرآن کریم

مراعات نظیر به عنوان یکی از محسنات معنوی و به خاطر ایجاد تناسب در میان واژگانی که در کنار هم قرار می‌گیرند باعث زیبایی کلام می‌شود و زمانی این زیبایی افزایش پیدا می‌کند که این آرایه با آرایه‌های دیگری همچون تلمیح، تشبیه، کنایه، مبالغه، جناس، لف و نشر و... به کار برود. در این بخش از پژوهش، به کار رفتن مراعات نظیر با آرایه‌های تلمیح، مبالغه، لف و نشر، تنسیق الصفات، جناس و سجع در پنج جزء آخر قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- مراعات نظیر و تلمیح

تلمیح از ملحقات علم بدیع است که از ریشه‌ی «لمح» و در لغت به معنای «به گوشه‌ی چشم نگریستن است» و در اصطلاح عبارت است از اشاره به داستان یا شعر و یا مثلی مشهور بدون تصریح کردن بدان (التفتازانی، ۲۰۰۱: ۷۳۰) تا با تداعی شدن آن مقصود گوینده، واضح‌تر و مؤثرتر شود.

در برخی آیات مراعات نظیر همراه با تلمیح به کار رفته است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ، وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ، وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ﴾ (سوره ق/۱۲-۱۴). در این آیات سوره‌ی مبارکه‌ی ق، تناسب عبارات و واژگان به وضوح دیده می‌شود؛ چراکه واژگان قوم نوح، أصحاب الرس، قوم ثمود، قوم عاد، قوم فرعون، قوم لوط، اصحاب الأيكة و قوم تبّع با هم تناسب دارند و هر کدام از این اقوام، فرستادگان الهی زمان خود را تکذیب کردند و مورد خشم و غضب خداوند قرار گرفتند. از طرف دیگر در این آیات تلمیح وجود دارد؛ چون هر کدام از این واژگان به یک رخداد تاریخی و داستانی یکی از پیامبران اشاره دارد که در گذشته رخ داده و در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

واژه‌ی «الرس» به معنی چاه و «أصحاب الرس» از بقایای قوم ثمود هستند که پیامبر خود را در چاه انداختند. واژه‌ی «الأيكة» به معنی درخت پر شاخ و برگ است و منظور از «اصحاب الأيكة» قوم شعیب است. «تُبَّع» نام یکی از پادشاهان یمن است که قوم خود را به توحید و خدا پرستی دعوت کرد، ولی آنان دعوت او را نپذیرفتند (الصابونی، بی تا: ۲۴۳/۳). در واقع تمام این اقوام به تعبیر قرآن کریم، پیامبران خود را تکذیب کردند و راه بت پرستی، خرافات، فساد و ظلم و نافرمانی و طغیان را در پیش گرفتند و سرانجام مورد خشم و غضب الهی قرار گرفتند و هر کدام از آن‌ها به وسیله‌ی عذابی دردناک هلاک و نابود شدند.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ، وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ

إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِيَخْشَى ﴿١٠٠-١٢﴾

(سوره تحریم/۱۰-۱۲).

در این آیات سوره‌ی تحریم نیز تلفیقی از دو آرایه‌ی مراعات نظیر و تلمیح دیده می‌شود. در آیه‌ی دهم، میان دو واژه‌ی امرأه نوح و امرأه لوط تناسب و مراعات نظیر برقرار است؛ چرا که هر دو از همسران پیامبرانی هستند که به شوهران خود خیانت کردند. در این آیه همچنین به یک جریان تاریخی اشاره شده است که در آن دو زن که هر دو، همسر دو پیامبر الهی بودند، به همسران خود خیانت کردند و با مخالفان آنان هم‌رأی و هم‌دست شدند. قرآن کریم این دو مثال را به عنوان پند و اندرز برای کافران ذکر کرده که مبدا گمان کنند که کسی یا چیزی می‌تواند عذاب خدا را از آنان دفع کند (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳۷۴/۲۸). در آیات یازدهم و دوازدهم نیز هردو آرایه وجود دارند و زیبایی آیه‌ها را دوچندان کرده‌اند. در این آیات از یک طرف میان آسیه همسر فرعون و حضرت مریم تناسب وجود دارد؛ چراکه هردو آنان جزو زنان با ایمان و پاکدامن و الگویی برای زنان مؤمن بودند و از طرف دیگر به صورت تلمیح به داستان همسر فرعون و حضرت مریم اشاره می‌کنند. «در این آیات این بار قرآن مثالی از دو زن با ایمان و مسلمان زده، زن فرعون مثالی برای متانت زنان مؤمن و مریم، مثالی برای زنان خاشع و فروتن آورده و هدف خداوند متعال از آوردن این دو الگو، ترغیب و تشویق مؤمنان است (همان: ۳۷۶/۲۸).

در این آیات آرایه‌ی مقابله نیز وجود دارد؛ چون در آیه‌ی دهم همسر نوح و همسر لوط به عنوان مثلی برای کافران و در مقابل در آیات یازدهم و دوازدهم همسر فرعون و مریم به عنوان مثلی برای مؤمنان ذکر شده‌اند.

تلفیق مراعات نظیر و تلمیح در آیه ۶ سوره‌ی صف، آیه ۴ سوره حاقه، آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نازعات، آیه ۱۹ سوره‌ی اعلی و آیات ۹ و ۱۰ سوره‌ی فجر نیز به کار رفته است.

۳-۲- مراعات نظیر و مبالغه

«مبالغه» در لغت، کوشش بسیار و زیاده‌روی در کار و در اصطلاح علم بدیع آن است که ادعا شود صفتی در شدت و ضعف به حدی رسیده است که محال یا بعید باشد. برخی از علمای بلاغت مبالغه را به لحاظ شدت و ضعف به سه نوع تقسیم کرده‌اند: ۱- تبلیغ، این است که صفت ادعا شده عقلاً و عادتاً ممکن باشد. ۲- اغراق، و آن زمانی است که صفت ادعا شده عقلاً ممکن باشد و بتوان آن را پذیرفت، اما از روی عادت محال و بعیدالوقوع باشد. ۳- غلو، و آن ادعای صفتی است که عقلاً و عادتاً محال و غیر ممکن باشد (التفتازانی، ۲۰۰۳: ۴۰۸-۴۰۹).

از نظر بلاغیان دو نوع اول مبالغه مقبول و نوع سوم در سه حالت مقبول است: ۱- اگر واژه‌ای در آن باشد که آن را به ممکن الوقوع بودن نزدیک سازد، مانند واژه «یکاد» در آیه ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ (سوره نور/۳۵). ۲- اگر غلو دربر دارنده نوعی خیال‌پردازی زیبا باشد. ۳- اگر غلو به روش هزل و شوخی آمده باشد. (همان: ۴۱۰-۴۱۱ و طیبیان، ۱۳۸۸: ۴۳۵-۴۳۷). در واقع در مبالغه و اغراق بلاغی، قصد فریب‌کاری و تمویه و تزویر در کار نیست، بلکه سیاق کلام و مقتضیات حال و مقام همه دست به دست هم می‌دهند و بهترین قرینه را به کار می‌آورند که مقصود گوینده تزیین سخن است به صنعت مبالغه و اغراق، نه کذب است و دروغ‌گویی (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۴). بدیهی است آنچه از مبالغه در قرآن کریم آمده است از نوع مقبول آن است که به نمونه‌هایی از تلفیق مراعات نظیر و مبالغه در پنج جزء آخر قرآن کریم اشاره می‌شود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (سوره حجرات/۱۱)

در این آیه عبارات «لایسخر قوم من قوم» و «لاتلمزوا أنفسکم» و «لاتنابزوا بالألقاب» هماهنگی و تناسب معنایی و در نتیجه مراعات نظیر وجود دارد؛ چرا که هر کدام از این‌ها گناهانی هستند که مؤمنان از آن‌ها نهی شده‌اند توبه کردن از آن‌ها واجب است. در پایان آیه با اسلوب قصر و به صورت مبالغه بر این نکته تأکید شده است که هر کس بعد از ارتکاب این گناهان توبه نکند ظالم است زیرا، با دست‌درازی به مردم ظلم کرده است و به خاطر راضی شدن به عذاب آخرت به خود نیز ظلم کرده است و این مطلب با اسلوب قصر و به صورت مبالغه به کار رفته است گویی جز آنان کس دیگری ظالم نیست تا آنان از این کار زشت خود دست بردارند (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۶/۲۵۰).

﴿يَوْمَ نَقُولُ لِحَنَمٍ هَلْ أَمْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ﴾ (سوره ق/۳۰)

در این آیه‌ی شریفه میان دو عبارت «هل امتلأت» و «هل من مزید» هماهنگی و تناسب معنایی وجود دارد و از طرف دیگر عبارت «هل من مزید» بر گنجایش زیاد جهنم دلالت می‌کند به طوری که نه تنها ظرفیت تمام دوزخیان را دارد، بلکه ظرفیت اضافی هم دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت در این آیه هم دو آرایه‌ی مراعات نظیر و مبالغه به طور همزمان وجود دارند. اگرچه زمخشری سؤال و جواب از جهنم را از باب تخیل به منظور تصویر و تثبیت معنا در ذهن مخاطب دانسته (الزمخشری، ۱۹۹۸: ۵/۶۰۱)، اما برخی از مفسران دیگر این دیدگاه زمخشری را رد کرده و این سؤال و جواب را حقیقی دانسته‌اند (الالوسی، بی‌تا: ۱۸۷-۱۸۸).

۳-۳- مراعات نظیر و لف و نشر

لف و نشر (طی و نشر) آن است که امور متعددی را به طور تفصیل یا اجمال ذکر نمایند، سپس آنچه مربوط به هر کدام از آن چیزهاست به گونه‌ی پراکنده و بدون تعیین ذکر شود، بر اساس اعتماد به عملکرد شنونده در تشخیص دادن آنچه برای هریک از آن امور است. لف و نشر، دو قسم دارد: ۱- لف و نشر مرتب که در آن واژه‌های نشر به ترتیب واژه‌های لف است. ۲- لف و نشر مشوش که در آن واژه‌های نشر به ترتیب واژه‌های لف نباشد (الهامی، ۱۹۹۴: ۳۲۳). در این بخش، به نمونه‌هایی از ترکیب آرایه‌های مراعات نظیر و لف و نشر در آیات پنج جزء آخر قرآن کریم اشاره می‌شود.

﴿ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى، وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ (سوره نجم ۳۰-۳۱)

در این آیات، دو عبارت ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ و ﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا﴾ با همدیگر و دو عبارت ﴿وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى﴾ و ﴿وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ نیز با همدیگر هماهنگی و ارتباط معنایی دارند و چون ابتدا از گمراهان و هدایت یافتگان سخن گفته شده و سپس به ترتیب مجازات گمراهان و پاداش نیک هدایت یافتگان مطرح شده است، پس در این آیات دو آرایه‌ی مراعات نظیر و لف و نشر مرتب در کنار هم به کار رفته‌اند.

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ، فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ، وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ﴾ (سوره حاقه ۴-۶)

در این آیات نیز همانند آیات قبل تناسب بین سیاق آیات نشان می‌دهد که در آن‌ها دو آرایه‌ی مراعات نظیر و لف و نشر مرتب وجود دارد؛ چراکه در این آیات، ابتدا به دو قوم ثمود و عاد که دو قوم طغیانگرند اشاره شده و بعد از آن به سرنوشت دو قوم اشاره شده است که هر کدام از آنان بخاطر نافرمانی از خدا و پیامبرانش و تکذیب آنان، مورد خشم و غضب خداوند قرار گرفتند و قوم ثمود به وسیله‌ی صاعقه و رعد و برق و قوم عاد به وسیله‌ی تندبادی سرد و سوزنده نابود شدند.

﴿وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا، وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ (سوره جن ۱۴-۱۵)

در این آیات هم دو عبارت «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ» و «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» و دو عبارت «وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ» و «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» هم تناسب معنایی و مراعات نظیر و هم لف و نشر مرتب وجود دارد؛ چون ابتدا جنیان به دو دسته‌ی مسلمان و قاسط تقسیم شده و سپس به ترتیب به سرانجام هر کدام از آنان اشاره شده است.

۳-۴- مراعات نظیر و تنسیق الصفات

تنسیق، در لغت به معنی آراستن و ترتیب دادن است و در اصطلاح بدیع تنسیق الصفات آرایه‌ای است که در آن متکلم، برای یک اسم چند صفت مختلف، پی‌درپی و متناسب می‌آورد و هدف از آن زینت بخشیدن به کلام و نیز ایجاد تنوع در آن است (النویری، ۱۴۲۳: ۷/ ۱۳۱ و رادویانی، ۱۳۶۲: ۷۲). این آرایه در قرآن کریم در بسیاری از سوره‌ها و آیه‌ها به وضوح دیده می‌شود و در آیات زیر ترکیبی از دو آرایه‌ی مراعات نظیر و تنسیق الصفات قابل مشاهده است.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (سوره حجرات/۱۵).

خداوند متعال در این آیه، مؤمنان را با صفتهای مختلفی (ایمان داشتن به خدا و پیامبرش، شک و تردید به خود راه ندادن، جهاد کردن با مال و جان در راه خدا و صداقت در ایمان) توصیف کرده است که از این جهت آیه دارای آرایه‌ی تنسیق الصفات است و از آنجایی که این صفتهای دارای ارتباط و تناسب معنایی با یکدیگر هستند، با هم آرایه‌ی مراعات نظیر دارند. تلفیق این دو آرایه نظم و زیبایی خاصی به آیه بخشیده است.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (سوره حشر/ ۲۲-۲۴).

در این آیات سوره‌ی مبارکه‌ی حشر، آمدن صفتهای متوالی خداوند که نشانگر آرایه‌ی تنسیق الصفات است، نظم و زینت خارق‌العاده‌ای به آیات بخشیده است، این صفتهای همگی دارای تناسب و هماهنگی معنایی و در نتیجه دارای آرایه‌ی مراعات نظیر نیز هستند و همگی بر جلال و جمال خداوند رحمان و رحیم دلالت می‌کنند. در این آیات قرآنی در سه بخش صفات جلال و جمال خداوند و اسماء حسنا‌ی او ذکر شده‌اند که هر بخش با صفت توحید ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَهُوَ اللَّهُ﴾ آغاز شده است و آثار این اسماء و صفات در هستی و زندگی انسان قابل مشاهده است و در واقع قلب مؤمن بهترین تجلیگاه آن‌ها است (سید قطب، ۱۹۸۸: ۶/ ۳۵۳۲).

﴿عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا﴾ (سوره تحریم/۵)

در این آیه به صفات متوالی و پی‌در پی زنان مؤمن اشاره شده که چون در میان آن‌ها هماهنگی و تناسب معنایی وجود دارد می‌توان گفت در این آیه هم دو آرایه‌ی مراعات نظیر و تنسیق الصفات وجود دارد که زیبایی و آهنگ خاصی به آیه بخشیده است.

ترکیب دو آرایه‌ی مراعات نظیر و تنسیق الصفات در آیات مبارکه‌ی ۸ و ۱۲ سوره‌ی احقاف، ۵۸ سوره‌ی ذاریات، ۵ و ۶ سوره‌ی نجم، ۴۲ سوره‌ی قمر، ۷ سوره‌ی ممتحنه، ۱۴ سوره‌ی ملک، ۱ تا ۴ سوره‌ی اخلاص و ۱ تا ۳ سوره‌ی ناس نیز به کار رفته است.

۳-۵- مراعات نظیر و جناس

جناس یکی از مهمترین محسنات لفظی علم بدیع است که از تشابه دو لفظ در تلفظ و مغایرت آن‌ها در معنا پدید می‌آید و به آن تجنیس و مجانست نیز می‌گویند. جناس به دو نوع جناس تام و جناس ناقص تقسیم می‌شود؛ جناس تام آن است که دو لفظ متجانس در نوع حروف، تعدادحروف، شکل و هیئت حروف و ترتیب حروف مثل هم و در معنی با هم متفاوت باشند و جناس ناقص آن است که در دو یا چند مورد از موارد چهارگانه با هم اختلاف داشته باشند (الهاشمی، ۱۹۹۴: ۳۴۳-۳۴۵). یکی از انواع جناس هم جناس اشتقاق است که عبارت است از این‌که دو لفظ متجانس در اصل اشتقاق و ریشه‌ی کلمات با هم مشترک باشند (سیوطی، ۱۹۷۴: ۳/۳۱۲). جناس در سطح کلمات هماهنگی پدید آورده و شنونده را برای گوش دادن به کلام تشویق می‌کند (همان: ۳/۳۱۰). ارزش جناس به موسیقی و آهنگی است که در کلام خلق می‌کند. جناس از ترکیب صوت با معنا حاصل می‌شود و زیبایی جناس در گرو ارتباط آن با معنی کلام است. آرایه‌ی جناس و انواع آن در بسیاری از آیات قرآن کریم دیده می‌شود که بر فضای موسیقایی آن تأثیر زیادی دارد به ویژه اگر همراه با آرایه‌های دیگر از جمله مراعات نظیر به کار برود. در این بخش نمونه‌هایی از تلفیق این دو آرایه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ﴾

(سوره احقاف/۵)

به کار رفتن الفاظ متناسب در کنار کلمات متجانس در کلام باعث آهنگین شدن کلام می‌شود و بر روح و جان شنونده تأثیر می‌گذارد. تلفیق دو آرایه‌ی مراعات نظیر و جناس در آیه‌ی فوق، بر زیبایی آن افزوده است. در این آیه واژه‌های «یدعو»، «یستجیب» و «دعاء» از لحاظ معنایی باهم تناسب دارند و از طرف دیگر در این آیه دو واژه‌ی یدعو و دعاء باهم جناس اشتقاق دارند.

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ﴾ (سوره قمر/۹)

در این آیه بین واژه‌های «سما» و «ماء» و همچنین میان دو واژه‌ی «أَنْبَتْنَا» و «حَبَّ الْحَصِيدِ» تناسب معنایی وجود دارد و دو واژه‌ی «سما» و «ماء» با هم جناس غیر تام مردوف دارند؛ چراکه دو واژه‌ی متجانس در یک حرف اضافی در اول کلمه با هم اختلاف دارند.

﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِّنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ (سوره مطففین ۲/۳-۳)

در این آیات نیز بین واژه‌های «اَكْتَالُوا» (با کیل و پیمان‌ه خریدند و دریافت داشتند)، «يَسْتَوْفُونَ» (به تمام و کمال و بیش از اندازه می‌گیرند)، «كَالُوهُمْ» (برای مردم می‌پیمایند) و «وَزَنُوهُمْ» (برای مردم وزن می‌کنند)، آرایه‌ی مراعات نظیر و تناسب معنایی وجود دارد و دو واژه‌ی «اَكْتَالُوا» و «كَالُوهُمْ» نیز با هم جناس اشتقاق دارند.

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ (سوره همزه ۱/)

در این آیه دو واژه‌ی «هُمَزَةٌ» (عیبجو) و «لُمَزَةٌ» (طعن‌زن) هردو از اعمال ناشایستی هستند که خداوند مؤمنان را از ارتکاب آن‌ها برحذر داشته است، از این نظر این دو واژه در یک گروه معنایی قرار دارند و دارای آرایه‌ی مراعات نظیر هستند. همین دو واژه آرایه‌ی جناس از نوع لاحق هم باهم دارند؛ چراکه دو لفظ متجانس در نوع حرف بعید المخرج باهم تفاوت دارند. این دو از لحاظ معنی آن اندازه به هم نزدیکند که در موارد بسیاری به عنوان دو لفظ مترادف استعمال شده‌اند، هرچند با یکدیگر فرق دارند ولی این تفاوت به گونه‌ای است که عده‌ای مفاهیم «هُمَزَةٌ» را برای «لُمَزَةٌ»، و عده‌ای مقاصد «لُمَزَةٌ» را برای «هُمَزَةٌ» ذکر کرده‌اند. معنای هُمَزَةٌ، بسیار غیبت‌کننده، و لُمَزَةٌ سخت-عیبجو و هُمَزَةٌ، عیبجوی با اشاره به دست، لُمَزَةٌ با زبان. هُمَزَةٌ، آن که روبرو بدگویی کند، و لُمَزَةٌ آن که در غیاب. هُمَزَةٌ، آن که آشکارا و به آواز بلند بگوید، لُمَزَةٌ در پنهانی و با اشاره ابرو و چشم (خرمدل، ۱۳۹۲: ۱۳۲۴). پس هر که ابرو و حیثیت مردم را به بازی گیرد، و آنان را تحقیر کند و برای خوشایند خود یا دیگران کارهایشان را ناچیز شمارد و بدیشان بدیها را نسبت دهد، و در حضور یا در غیاب، آنان را توهین و تحقیر نماید، و بزرگی خود را در کوچکی مردم ببیند، هُمَزَةٌ و لُمَزَةٌ است. تلفیق مراعات نظیر با جناس در آیات مبارکه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح، ۱۷ سوره‌ی حجرات، ۷ و ۱۱ و ۱۲ سوره‌ی مجادله، ۶ سوره‌ی صف، ۱۴ سوره‌ی تغابن، ۸ سوره‌ی تحریم، ۲۰ سوره‌ی مزمل، ۲ تا ۴ سوره‌ی مرسلات، ۲ تا ۴ سوره‌ی نازعات، ۱۷ و ۱۸ سوره‌ی انشقاق، ۳ سوره‌ی بلد، ۲ و ۳ سوره‌ی شمس نیز دیده می‌شود.

۳-۶- مراعات نظیر و سجع

سجع یکی از آرایه‌های لفظی بدیع است که سکاکی آن را در نثر همانند قافیه در شعر دانسته و گفته است: «ومن جهات الحسن الأسجاع وهی فی النثر كما فی القوافی فی الشعر» (السکاکی، ۱۹۸۷: ۴۳۱). از آنجایی که نقش اساسی قافیه در شعر ایجاد موسیقی کناری و افزودن بر موسیقی شعر است، پس سجع هم در نثر به جملات و عبارات ارزش موسیقایی می‌دهد و آن‌ها را آهنگین می‌کند (مرتضایی، ۱۳۹۴: ۸۴). بدیعیان، سجع را به سه دسته تقسیم کرده‌اند؛ سجع مطرف، ترصیع و سجع متوازی. سجع مطرف آن است که پایان دو عبارت در واج‌های آخر مثل هم ولی در وزن عروضی

باهم متفاوت باشند. ترصیع عبارت است از این که تمام کلمات دو عبارت یا بیشتر آن‌ها در وزن عروضی و حرف روی یا واج آخر مثل هم باشند. سجع متوازی هم آن است که تنها کلمات پایانی دو عبارت مسجع در وزن و حرف روی مثل هم باشند و کلمات قبل از آن‌ها در هردو یا یکی از آن‌ها باهم متفاوت باشند (التفتازانی، ۲۰۰۳: ۴۳۷-۴۳۸). اقسام مختلف این آرایه در قرآن کریم کاربرد زیادی دارد و آنچه که بر زیبایی آن می‌افزاید به کار رفتن آن در کنار آرایه‌ی مراعات نظیر است که به نمونه‌هایی از تلفیق این دو آرایه در پنج جزء آخر قرآن کریم اشاره می‌شود.

﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ﴾ (سوره واقعه / ۲۸-۳۰)

در این آیات سوره‌ی واقعه دو آرایه‌ی مراعات نظیر و سجع متوازی به زیبایی در کنار هم به کار رفته‌اند؛ چون هماهنگی و تناسب معنایی و در نتیجه مراعات نظیر میان واژه‌های «سِدْرٍ مَّخْضُودٍ» (درخت سدر بی خار)، «طَلْحٍ مَّنْضُودٍ» (درخت موز با میوه‌های متراکم) و «ظِلٍّ مَّمْدُودٍ» (سایه گسترده شده) واضح و آشکار است و کلمات پایانی هر بخش یعنی «مَخْضُودٍ وَ مَّنْضُودٍ وَ مَّمْدُودٍ» هم در وزن عروضی و هم در حرف روی و واج پایانی مثل هم هستند ولی واژه‌های دیگر یعنی «سِدْرٍ وَ طَلْحٍ وَ ظِلٍّ» اگرچه در وزن عروضی مثل هم هستند ولی در حرف روی و واج پایانی باهم تفاوت دارند، بنابراین، این آیات باهم آرایه‌ی سجع متوازی هم دارند.

﴿فِيهَا سُرٌّ مَّرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ﴾ (سوره الغاشیة / ۱۳-۱۴)

در این آیات سوره‌ی غاشیه هم دو آرایه مراعات نظیر و سجع از نوع متوازی دیده می‌شود که نظم و فضای موسیقایی زیبایی به آیات بخشیده است. در این آیات کلمات «سُرٌّ مَّوْضُوعَةٌ» (تخت‌های بلند و عالی) و «أَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ» (ساغرهای نهاده شده)، از یک طرف باهم تناسب و هماهنگی معنایی دارند؛ چراکه هر دوی آن‌ها جزو نعمت‌هایی هستند که خداوند در بهشت برای مؤمنان آماده ساخته است، بنابراین در میان این کلمات آرایه‌ی مراعات نظیر وجود دارد. از طرف دیگر هم چون واژه‌های پایانی این عبارات باهم در وزن عروضی و واج پایانی مثل هم هستند و واژه‌های دیگر در هر دو مورد با هم اختلاف دارند، پس در میان این عبارات آرایه‌ی سجع از نوع متوازی نیز وجود دارد.

﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ، أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ (سوره بلد / ۱۵-۱۶)

در این آیات میان واژه‌های «یتیم» و «مسکین» که به نوعی هردو واژه حس ترحم را در انسان زنده می‌کنند، هماهنگی و تناسب معنایی از نوع مراعات نظیر وجود دارد و واژه‌های پایانی آیات یعنی «مَقْرَبَةٍ وَ مَتْرَبَةٍ» در وزن عروضی و حرف روی مثل هم هستند، ولی واژه‌های دیگر یعنی «يَتِيمًا وَ مَسْكِينًا» در وزن و حرف روی باهم تفاوت دارند، پس در این آیات سجع متوازی نیز وجود دارد که باعث آهنگی دلنشین و یکنواخت شده و حس التذاد را در شنونده به وجود می‌آورد. علاوه بر

این دو آرایه، در دو واژه‌ی «مقربیه و متریه»، آرایه‌ی جناس ناقص لاحق نیز وجود دارد که بر زیبایی آیات افزوده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود در تمام نمونه‌های فوق تلفیقی از دو آرایه‌ی مراعات نظیر و سجع از نوع متوازی دیده می‌شود، اما در پنج جزء آخر قرآن کریم اگرچه سجع مطرف در آیه‌ی ﴿مَالِكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً﴾ (سوره نوح/۱۳-۱۴) میان دو واژه‌ی «وقاراً و أطواراً» دیده می‌شود، ولی نمونه‌ای یافت نشد که در آن به طور همزمان هم مراعات نظیر و هم سجع مطرف وجود داشته باشد. در مورد تلفیق مراعات نظیر و سجع از نوع ترصیع می‌توان به آیات ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً فَالْمُورِيَاتِ قَدْحاً﴾ (سوره عادیات/۱-۲) استناد کرد؛ چراکه از یک طرف میان دو آیه هماهنگی و تناسب معنایی وجود دارد و اولی به معنی اسبان تازه‌ای که نفس زنان پیش می‌روند و دومی به معنی اسبانی که بر اثر برخورد سمهایشان به سنگ‌های سر راه جرقه برمی‌افروزند می‌باشد و از طرف دیگر دو واژه‌ی «عادیات و موریات» باهم و دو واژه‌ی «ضبحاً و قدحاً» باهم در وزن عروضی و حرف روی مثل هم هستند و در نتیجه میان دو آیه علاوه بر مراعات نظیر، جناس از نوع ترصیع هم وجود دارد؛ البته عده‌ای از بلاغیان از جمله ابن اثیر در کتاب المثل السائر (۱۹۹۸: ۱/۲۵۵) و یحیی بن علوی در کتاب الطراز لأسرار البلاغه و علوم حقائق الإعجاز (۱۴۲۳: ۲/۱۹۴) معتقدند که نوع کامل ترصیع در قرآن کریم وجود ندارد.

تلفیق دو آرایه‌ی مراعات نظیر و سجع متوازی در آیات ۹ سوره‌ی فتح، ۲ و ۳ سوره‌ی طور، ۲۱ تا ۲۳ سوره حاقه، ۱۱ تا ۱۴ و ۱۹ تا ۲۱ سوره معارج، ۳۳ و ۳۴ سوره مدثر، ۸ و ۹ سوره نازعات، ۲۰ و ۲۱ سوره تکویر، ۱ و ۲ سوره انفطار، ۴ و ۵ سوره غاشیه، کل آیات سوره شمس و... و مراعات نظیر و سجع از نوع ترصیع در آیات ۸ و ۹ سوره مرسلات نیز دیده می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به بررسی آرایه‌ی مراعات نظیر در پنج جزء آخر قرآن کریم می‌توان موارد زیر را به عنوان نتیجه‌ی این تحقیق برشمرد:

مراعات نظیر یکی از مؤثرترین و پرکاربردترین آرایه‌های معنوی فن بدیع است که کاربرد آن در قرآن کریم نیز از بسامد بالایی برخوردار است. در آرایه‌ی مراعات نظیر، چینش الفاظ و واژگانی که باهم هماهنگی و تناسب معنایی دارند باعث به وجود آمدن آهنگ و موسیقی دلنشینی در کلام می‌شود که مخاطب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. آرایه‌ی مراعات نظیر همیشه به تنهایی در کلام به کار نمی‌رود، بلکه اغلب با فنون بیانی و آرایه‌های بدیعی دیگر مثل تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه، تلمیح، مبالغه، تنسیق الصفات، جناس، سجع و... می‌آمیزد تا مضمون مورد نظر بهتر و زیباتر ارائه شود. در پنج جزء آخر قرآن کریم تلفیق مراعات نظیر با آرایه‌های معنوی تلمیح، مبالغه، تنسیق

الصفات و لف و نشر باعث ایجاد هماهنگی و تناسب معنایی زیبایی میان الفاظ و واژگان و عبارات در آیات قرآنی شده است. تلفیق مراعات نظیر با آرایه‌های لفظی جناس و سجع علاوه بر ایجاد هماهنگی و تناسب معنایی، آهنگ و موسیقی دلنشینی در آیات قرآنی ایجاد کرده است که توجه هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

منابع

القرآن الکریم

- ابن اثیر، ضیاءالدین (۱۹۹۸). *المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر*. تحقیق: الشیخ کامل محمد محمد عویضه. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور التونسی، محمد الطاهر بن محمد (۱۹۸۴). *التحریر والتنویر*. تونس: دار التونسیه.
- أحمد حسین، نصرالدین ابراهیم (۲۰۱۳). علم البديع وبلاغته فی ضوء القرآن الکریم دراسة بلاغیه تحليلیه. *مجلة الدراسات اللغویة والأدبیه*، العدد الثانی، ۱۱۸-۱۴۱.
- التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر (۲۰۰۳). *مختصر السعد شرح تلخیص کتاب مفتاح العلوم*. تحقیق: عبد الحمید هنداووی. بیروت: المکتبه العصریه.
- التفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۲۰۰۱). *المطول شرح تلخیص مفتاح العلوم*. تحقیق: عبدالحمید هنداووی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حسینی، مجتبی؛ و فتحی، غلامرضا (۱۳۸۹). «مراعات نظیر زیور آرایه‌ها». *فصلنامه پژوهشی تحقیقات زبان و ادب فارسی*، دوره جدید، ش: سوم: ۶۷-۸۱.
- خرقانی، حسن (۱۳۹۲). *زیبا شناسی قرآن از نگاه بدیع* (چاپ اول). مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- خرمدل، مصطفی (۱۳۹۲). *تفسیر نور*. تهران: نشر احسان.
- خطیب قزوینی، جلال الدین محمد بن عبدالرحمن (۱۹۸۹). *الإيضاح فی علوم البلاغه*. شرح و تعلیق: محمد عبدالمنعم خفاجی. بیروت: الشركه العالمیه للکتاب.
- الخمیس، عبدالواحد عبدالله (۲۰۱۷). «مراعاة النظر فی القرآن الکریم». *مجله السوعی الإسلامی*، ش: ۶۲۹، ۶-۶۲.
- رادویانی، محمدبن عمر (۱۳۶۲). *ترجمان البلاغه*. به تصحیح و اهتمام: پروفیسور احمد آتش و انتقاد استاد ملک الشعرا بهار. تهران: اساطیر.
- الزمخشري، جارالله أبوالقاسم محمود بن عمر (۱۹۹۸). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* (چاپ اول). الرياض: مکتبه العبيکان.
- السکاکي، أبو یعقوب یوسف بن أبی بکر (۱۹۸۷). *مفتاح العلوم* (چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۹۷۴). *الاتقان فی علوم القرآن*. تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم. القاهره: دار الفکر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *نگاهی تازه به بدیع*. مشهد: فردوس.
- الصابونی، محمد علی (بی تا). *صفوة التفاسیر*. بیروت: دارالقرآن الکریم.

- ضیف، شوقی (بی‌تا). *البلاغه تطور و تاریخ* (چاپ دوازدهم). القاهرة: دار المعارف.
- طیبیان، سید حمید (۱۳۸۸). *برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی براساس تلخیص المفتاح و مختصر المعانی* (چاپ اول). تهران: امیرکبیر.
- عبدالغنی المرسی، کمال الدین (بی‌تا). *مراعاة النظر فی کلام الله العلی القدير*. الاسکندریه: جامعه الإسکندریه.
- عتیق، عبدالعزیز (بی‌تا). *علم البديع*. بیروت: دار النهضة العربیة.
- علوان، حمادة خالد محمد (۲۰۱۶). *الألوان البديعية فی السور المکیة دراسة وصفیة تحلیلیة* (رسالة ماجستير). کلیة الآداب بالجامعة الإسلامية، غزة.
- العلوی، یحیی بن حمزة (۱۴۲۳). *الطراز لأسرار البلاغة و علوم حقائق الإعجاز* (چاپ اول). بیروت: المكتبة العصریة.
- فضیلت، محمود (۱۳۸۶). *زیبایی‌شناسی قرآن*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- قصاب، ولید ابراهیم (۲۰۱۲). *البلاغه العربیة: علم البديع*. دمشق: دار فکر.
- قطب، سید (۱۹۸۸). *فی ظلال القرآن* (چاپ پانزدهم). القاهرة: دارالشروق.
- لاشین، عبدالفتاح (۱۹۹۹). *البديع فی ضوء أساليب القرآن*. القاهرة: دارالفکر العربی.
- مرتضایی، سید جواد (۱۳۹۴). *بديع از بلاغت* (چاپ اول). تهران: انتشارات زوار.
- میر، مستنصر (۱۳۸۸). « فنون و صنایع ادبی در قرآن ». ترجمه ابوالفضل حرّی. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های قرآنی*، سال یازدهم، دوره ۱۵، ش ۵۹-۶۰، ۱۵۴-۱۷۸.
- النوری، شهاب الدین أحمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۳). *نهاية الأرب فی فنون الأدب*. القاهرة: دارالکتب والوثائق القومیة.
- الهاشمی، احمد (۱۹۹۴). *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البديع*. بیروت: دارالفکر.
- همایی، جلال الدین (۱۳۸۹). *فنون و صناعت ادبی* (چاپ اول). تهران: اهورا.